

## احیاءگری تمدنی خواجه نصیرالدین طوسی

محمدامین فندرسکی پور\*

محمد جاودان\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱]

## چکیده

نصیرالدین طوسی از متفکران ایرانی مسلمان قرن هفتم ه.ق. است. در دوره حیات وی، سرزمین‌های اسلامی تحت حملات وحشیانه مغولان قرار گرفت و در پی آن بسیاری از شهرها ویران، و تمدن و مظاهر و عناصر تمدنی نابود شد یا به شدت آسیب دید. همچنین، بسیاری از علما، روحانیان و دانشمندان اسلامی یا به طرز فجیعی کشته شدند یا از کانون‌های علمی و مذهبی گریختند و به نقاط دوردست پناه بردند. با وجود این وضعیت اجتماعی و فرهنگی بغرنج در سرزمین‌های اسلامی، نصیرالدین طوسی از جمله متفکرانی بود که از همان آغاز به دنبال یافتن راهی برای نجات اسلام و ایران و احیای تمدن در آستانه نابودی بود. به همین سبب با ورود به دستگاه حکومت ایلخانی، اقداماتی از جمله جلوگیری از ستم‌ورزی مغولان، خاتمه‌دادن به خلافت عباسی، طبقه‌بندی علوم، تأسیس رصدخانه و کتابخانه بزرگ مراغه و بازگشایی مدارس و سایر موقوفات انجام داد که در راستای احیاءگری تمدن رو به زوال به شمار می‌رود. پژوهش حاضر که با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و به‌کارگیری روش تحلیل تاریخ انجام شده، نقش تمدنی وی را در احیای تمدن بررسی می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** نصیرالدین طوسی، رصدخانه مراغه، هلاکوخان، احیاءگری تمدنی.

\* دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadaminfendereskipour@yahoo.com

\*\* استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران Javdan@urd.ac.ir

## مقدمه

محمد بن محمد بن حسن طوسی، ملقب به «نصیرالدین»، مشهور به «خواجه طوسی» و «محقق طوسی»، از متفکران بزرگ ایرانی است که در عصر مغول می‌زیست. در عصر حملات ویرانگر مغولان به ایران، بسیاری از شهرهای آباد ایران نابود شد. به تبع این حملات، کانون‌های علمی ایرانی‌اسلامی که در طول حدود پنج قرن شکل گرفته و به کمال رسیده بود، یکی پس از دیگری رو به ویرانی نهاد و بسیاری از مردم و دانشمندان سکنه این شهرهای بزرگ، آواره و مجبور به کوچ اجباری شدند. پس از تخریب و ویران‌سازی و به آتش کشیدن آثار تمدنی به دست مغولان، نوعی حیرت و گسست در جامعه آن روزگار به وجود آمد؛ به رغم جنگ و اتفاقات ناگواری که بروز کرد، ایرانیان به سرعت هویتشان را باز یافتند و در جهت احیای تمدن ایرانی‌اسلامی و بازسازی ویرانه‌ها همت گماشتند. نخبگان جامعه مسئولیت سنگین‌تری احساس کردند و از همان آغاز حملات وحشیانه مغول به فکر چاره افتادند. از جمله این نخبگان نصیرالدین طوسی است که به سرعت وارد عمل شده و با نفوذ به دربار ایلخانی، به دو کار مهم اشتغال یافت؛ اول جلوگیری از آسیب، ویرانگری و نابودی عناصر تمدنی اسلام و ایران؛ و دوم تلاش برای احیای تمدن از میان رفته و مضمحل شده که مغولان عامل اصلی‌اش بودند. پژوهش‌های متعددی درباره حیات نصیرالدین طوسی، ویژگی‌ها و آثار علمی و همچنین اقدامات وی انجام شده، ولی هیچ یک از آنها مشخصاً به موضوع نقش وی در احیای تمدن نپرداخته‌اند. در پژوهش حاضر با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و استفاده از روش تحلیل تاریخی، نقش وی را در احیای تمدن اسلام و ایران بررسی می‌کنیم.

## شرح حال نصیرالدین طوسی

نصیرالدین طوسی در ۵۹۸ ه.ق. در ناحیه طوس یا به قولی در جهرود قم و در محلی موسوم به وشاوه، از توابع جهرود، متولد شد (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۲۲۳۷/۵-۲۲۳۹؛ قمی، ۱۳۸۵: ۶۰۳). دیگر القابی که به وی نسبت داده شده عبارت‌اند از: محقق طوسی، استاد البشر، عقل

حادی‌عشر و معلم ثالث (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۴/۱). در دوران کودکی تحت تربیت پدر، علوم نقلی را فرا گرفت (یوسفی‌راد، ۱۳۸۰: ۱۹). سپس نزد دایی‌اش نورالدین علی بن محمد، ملقب به شیعی، علوم عقلی را آموخت و مدتی هم نزد استادانی چون فریدالدین داماد نیشابوی، محمد حاسب و سراج‌الدین قمری در علوم عقلی و ریاضی شاگردی کرد (حسینی دشتی، ۱۳۶۹: ۲۲۳۹/۵). فریدالدین داماد نیشابوری در حوزه علمی نیشابور به تعلیم مشغول بود و نصیرالدین طوسی نزد وی *الاشارات والتنبيهات* ابن سینا را آموخت (دوانی، ۱۳۸۷: ۹۹/۴-۱۰۰). همچنین، افراد دیگری نظیر شیخ ابوالسعادات اصفهانی، برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی، قطب‌الدین مصری شافعی و سالم بن بدران مصری مازنی در شمار استادان وی ذکر شده‌اند (مدرس رضوی، ۱۳۷۰: ۶). نصیرالدین طوسی *قانون ابن سینا* را از قطب‌الدین مصری شافعی آموخت (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰: ۵۸۲/۶). به گفته شمس‌الدین بن مؤید عرضی، کمال‌الدین یونس موصلی نیز در شمار استادان خواجه بوده است که علم نجوم و ریاضی به وی آموخت (کتبی، ۱۴۲۱: ۲۵۴/۲).

تا پیش از حمله مغولان به ایران، مدتی را در دیار قهستان زندگی کرده و برای مدت‌زمانی هم در قلاع اسماعیلیه سکونت داشته و در آنجا به تحقیق و مطالعه در علوم مختلف، از جمله نجوم و هیئت، پرداخته است. به نظر می‌رسد وی پیش از حملات مغولان، برای تحصیل علم از ناحیه نیشابور کوچیده و رهسپار بغداد و موصل شده، و در همین سفر است که از محضر استادانی همچون سالم بن بدران مصری و کمال‌الدین بن یونس موصلی بهره برده است. پس از کسب اجازه از سالم بن بدران مصری، که از علمای بزرگ شیعه در آن زمان به شمار می‌رفته، مجدداً به نیشابور باز می‌گردد و در نیشابور به پژوهش و کسب دانش مشغول می‌شود. در همین دوره است که حاکم قهستان، که مردی فاضل و علم‌دوست بود، با دعوت از نصیرالدین طوسی به قلاع اسماعیلیه، او را بسیار تکریم و از وی حمایت کرد. وی با تقاضای ناصرالدین عبدالرحیم بن منصور، حاکم قهستان، کتاب *الطهارة فی علم الاخلاق* ابوعلی مسکویه رازی را به زبان فارسی ترجمه کرد و ضمن افزودن مطالبی، آن را *اخلاق ناصری* نامید. از دیگر آثار وی که در مدت اقامتش

در قلاع اسماعیلیه نگاشته است، می‌توان به رساله معینیه در علم هیئت و شرح فارسی آن با نام معین‌الدین پسر ناصرالدین و همچنین ترجمه اخلاق محتشمی و اساس الاقتباس اشاره کرد (مدرس رضوی، ۱۳۷۰: ۹).

اقامت نصیرالدین طوسی در قلعه‌های اسماعیلیه حدود ۲۶ سال طول کشید. در این مدت تألیفات بسیاری در علوم مختلف از وی بر جای ماند (امین، ۱۴۰۹: ۲۰۰/۱). با هجوم همه‌جانبه مغولان به ایران، اوضاع و احوال به کلی تغییر کرد و بسیاری از مناطق ایران به تصرف مهاجمان مغول درآمد و جنایات هولناک و ویرانی‌های بی‌شمار به وجود آمد (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۷: ۲۳). در این فضای ناامن و پرمخاطره، به هیچ وجه امکان فعالیت‌های علمی و پژوهشی برای دانشمندان فراهم نبود. لذا نصیرالدین طوسی، که از اوضاع زمانه‌اش آگاه بود، در مدت سکونتش در قلاع اسماعیلیه از امنیت نسبی موجود در این منطقه استفاده کرد و به فعالیت‌های علمی مشغول بود (صفا، ۱۳۷۳: ۱۲۰۳/۳).

وی در این باره می‌گوید بیشتر مطالب را در وضع بسیار سختی نوشته‌ام، به گونه‌ای که سخت‌تر از آن برای دیگران ممکن نیست و در آن روزگار با پریشانی فکر بسیار آن مطالب را نگاشتم، به گونه‌ای که هر جزئی از آن نوشته‌ها، ظرفی برای غصه و عذاب دردناکی بود که بر من می‌گذشت و پشیمانی و حسرت بزرگی به همراه داشت. در این میان زمانی بر من نگذشت که از چشمانم اشک سرازیر نشود و دلم در وضع پریشانی نباشد و همچنین زمانی برایم پیش نمی‌آمد که دردهایم افزون نشود و غصه‌هایم دوچندان نگردد (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۳: ۱۴۶/۲).

وقتی مغولان به تدریج قلعه‌های اسماعیلیان را فتح کردند (بناکتی، ۱۳۴۸: ۴۱۵) حاکم قلعه پس از مشورت با نصیرالدین طوسی، علاوه بر تسلیم کامل قلعه به آنان، از مغولان اطاعت کرد و به این ترتیب با تدبیر اندیشمندان نصیرالدین طوسی، ساکنان این قلاع از کشتار وحشیانه مغولان در امان ماندند و وی به سبب این چاره‌اندیشی نزد هلاکوخان مغول احترام و موقعیت ویژه‌ای یافت و به دربارشان راه پیدا کرد (همدانی، ۱۳۶۲: ۶۹۵/۲).

## نقش نصیرالدین طوسی در احیاگری تمدنی

پس از مروری کوتاه بر زندگی علمی نصیرالدین طوسی، به نقشی می‌پردازیم که وی در طول مدت حیاتش در زمینه احیاگری تمدنی ایفا کرد. از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های وی که در نتیجه آنها حیات تمدنی مسلمانان، قبل و پس از حمله مغولان مجدداً احیا شد، عبارت است از:

### ۱. جلوگیری از ستم‌ورزی مغولان

اولین اقدام مهم نصیرالدین طوسی که به احیای تمدن مسلمانان کمک شایانی کرد، تلاش‌های بی‌وقفه او برای جلوگیری از ستم‌ورزی‌های مغولان است. وی با کیاست و دقت عملی که بجا و به‌موقع از خود نشان داد، توانست به‌خوبی از میزان غارت و تخریب سربازان جنگجوی مغول بکاهد. مهارت و استادی‌اش در سخنوری و بیان سخنان حکیمانه سبب شد هلاکوخان مغول به وی تمایل پیدا کند و نصایح حکیمانه‌اش را بپذیرد. به دنبال این اتفاق، هلاکوخان مصمم شد فردی را مأمور کند تا در بلاد اسلامی به دنبال دانشمندان و علمایی برود که از ترس تهاجم مغولان گریخته بودند و آنها را به بازگشت تشویق کند. در این ماجرا، گروهی از منجمان برای انجام‌دادن فعالیت‌های علمی و منجمی به مراغه فرا خوانده شدند که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد (ابن‌فوطی، ۱۳۵۹: ۲۵۶). پس از ورود نصیرالدین طوسی به دربار ایلخانی، وی تمام همتش را بر آن داشت که ضمن جلوگیری از خشونت‌ورزی در حق مردم، ایلخانان مغول را به حمایت از علم و دانش ترغیب کند.

### ۲. خاتمه‌دادن به خلافت عباسی

پس از اینکه امویان از بین رفتند، آل‌عباس با تمسک دروغین به آل‌پیغمبر (ص) خود را وارث تاج و تخت خلافت دانستند و در طول چندین سده، انواع و اقسام ظلم و ستم را بر مسلمانان روا داشتند. در اواخر حکومت عباسی، علی‌رغم اینکه خلفای عباسی به مذهب

اهل سنت معتقد بودند و بر این مذهب سخت‌گیری هم داشتند، رجال شیعی موفق شدند در ساختار حکومتی ورود کنند و مناصب و مشاغل حکومتی را به دست گیرند. عالی‌ترین مرتبه در ساختار حکومت عباسی، خلیفه به شمار می‌رفت که مستعصم، آخرین آنها بود و به دلیل پرداختن مداوم به لهو و لعب و مداخله در کشتار شمار فراوانی از شیعیان در بغداد نزد مردم و جاهت لازم را نداشت (تنکابنی، ۱۳۹۹: ۳۸؛ غسانی، ۱۹۷۵: ۶۲۶). وقتی مغولان در عصر مستعصم عباسی به پشت دروازه‌های بغداد رسیدند، نصیرالدین طوسی با هلاکوخان همراه شد تا بغداد فتح شود و خلیفه عباسی به قتل برسد و خلافت ظالم و ستمگر عباسی پایان یابد (مدرسی، ۱۳۸۰: ۵۲). در تاریخ فخری در توصیف خصوصیات اخلاقی و رفتاری مستعصم چنین آمده است:

وی فردی خیرخواه، دیندار، خوش‌خلق، دارای روحی سبک و عفیف‌اللسان بوده است. قرآن را از بر داشته و به خطی نمکین و جذاب می‌نوشته است؛ اما اراده‌ای از خود نداشته و در امور مملکت غافل و ناتوان بوده است. اطرافیانش در او طمع می‌ورزیدند و در میان نفوس هیچ هیبتی نداشته است؛ از حقایق و اخبار پیرامون خود و جامعه اسلامی هیچ خبر و آگاهی نداشته و همچنین بیشتر اوقات روزمره‌اش را صرف شنیدن موسیقی و نواهای خوش و گذراندن با مسخرگان می‌کرده است. گاه پیش می‌آمد که در کتاب‌خانه بنشیند و مطالعه کند، ولی از این مطالعه سودی نمی‌برد. تمام اصحاب و یاران نزدیکش نادان و از فرومایگان بودند و به راحتی بر وی تسلط داشتند، به جز وزیرش که از خردمندان زمان به شمار می‌آمد (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۴۲).

همچنین، ابن‌العبری در بیان ویژگی‌های این خلیفه اوصافی همچون لذت‌جو و خوش‌خوار به کار می‌برد و او را چنین معرفی می‌کند که شیفته بازی با پرنده‌گان و در اداره امور مملکتی سست‌عزم، بی‌اراده و غافل بوده است، به طوری که وقتی به او گفتند لازم است پیش از حمله مغول چاره‌ای بیندیشیم، پاسخ داد: «بغداد برای من بس است» (ابن‌العبری، ۱۳۷۷: ۳۵۲). با وجود چنین خلیفه‌ای ناتوان و بی‌اراده، نصیرالدین طوسی

مصلحت را در آن دید که با خان مغول همراه شود تا این خلافت سست و ستمگر به پایان برسد. نصیرالدین طوسی در کنگره بغداد، که برای استفتاء درباره برتری و اولویت حاکم کافر عادل نسبت به حاکم مسلمان ظالم بود، نقش اساسی داشت و با اینکه خود به ترجیح عادل بر ظالم حتی اگر عادل کافر می‌بود عقیده داشت، ولی نظریه به علمای مجلس واگذار شد و عارف بزرگ، سید بن طاووس، پیش قدم شد و اولویت حاکم عادل (اگرچه کافر باشد) بر حاکم ظالم (اگرچه مسلمان باشد) را بیان کرد.

### ۳. تولید آثار علمی

نصیرالدین طوسی از استقبال هلاکوخان از دانش و دانش‌پروری نهایت بهره را برد و در مدت فعالیت سیاسی‌اش در دستگاه حکومت ایلخانی، آثار متعدد علمی در زمینه‌های مختلف نگاشت. بخش اعظم ۱۵۰ رساله و نامه‌های نصیرالدین طوسی به زبان عربی نوشته شده است. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به *تجربید الاعتقاد* (در علم کلام)، *شرح اشارات ابوعلی سینا* (در فلسفه)، *التذکره فی علم الهیة*، *اساس الاقتباس* (در علم منطق)، *جوهر الفرائض* (اصول علم فرائض و مواریث)، *اخلاق ناصری*، *اوصاف الاشراف*، *زیج ایلخانی* و ... اشاره کرد. کتاب معروف وی در سیاست *اخلاق ناصری* نام دارد. این کتاب، دربردارنده فلسفه سیاسی و اخلاق نصیرالدین طوسی است. وی در موضوع امامت نیز آثاری از خود بر جای گذاشته است. امامت از نظر او ریاستی فراگیر و دینی است که هدف آن، حفظ مصالح دنیوی و دینی انسان‌ها و جلوگیری از متضرر شدن مردم در امور مختلف است. از نظر وی، نصب امام بر خدا واجب است. در واقع، وجود امام و تصرف او دو لطف جداگانه خدا بر مردم است که اگر یکی از آنها نباشد دلیلی بر نفی دیگری نیست. به همین سبب، با وجود آنکه امام در جامعه حضور ندارد، تصرف او می‌تواند وجود داشته باشد و حضورنداشتن امام نیز نتیجه کاهلی و سستی ما است؛ زیرا خداوند به مقتضای لطفی که بر ما داشته، ائمه را فرستاده، اما لطف واجب بر مکلفان این است که هر یک او را به دیگران معرفی کنند و هیچ کس از تعلیم و تبلیغ دین ممانعت نکند؛ ولی مردم از انجام دادن این

کارهای واجب سر باز زده‌اند و زمینه عدم تصرف امام را فراهم کرده‌اند: «و وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منا» (حلی، ۱۴۱۷: ۵۰۷).

#### ۴. نظریه عدالت سیاسی

به طور کلی می‌توان گفت نظریه سیاسی نصیرالدین طوسی ذیل «حکمت عملی» مطرح شده است. بدین گونه که وی حکمت عملی را «حکمت کردنی‌ها» می‌داند و معتقد است این بخش از حکومت، ناظر بر اعمال انسانی است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۱۱۱). به نظر وی، انسان موجودی مدنی بالطبع است و بر این اساس در اجتماع فاضله یا غیرفاضله قرار می‌گیرد و ذاتاً به معاونت دیگران نیازمند است. در نتیجه، انواعی از مُدُن در جامعه سیاسی شکل می‌گیرد که انسان‌ها آن را می‌سازند (همان: ۲۵۰-۲۵۲).

در تعریفی کلی می‌توان گفت سیاست در اندیشه نصیرالدین طوسی به معنای هدایت آحاد جامعه بر اساس استعدادها، به سمت تعالی دنیوی و اخروی است. لذا لازم است سیاست‌مدار، پس از تنظیم قواعد و بایدها و نبایدهای سیاسی، بر خویش‌کاری آحاد جامعه نظارت کند تا همگان از هم به شکل نیکو بهره‌مند شوند و مدینه به شکوه خود برسد (شریعت و نادری باب اناری، ۱۳۹۰: ۹۷). وی با ترسیم مدینه‌ای فاضله به دنبال عدالت سیاسی، زندگی خوب و سعادت‌مند برای انسان مدنی است و این عقاید را در رساله *اخلاق ناصری* به تفصیل بیان کرده است. از نظر وی، حکمت عملی این است که مصالح حرکات ارادی و افعال صناعی نوع انسانی دانسته شود؛ به طوری که به نظام احوال معاش و معاد ایشان و مقتضی رسیدن به کمال مؤدی باشد (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹: ۱۵). بر این پایه، وی با تأکید بر حکمت عملی، اندیشه سیاسی و نظریه عدالت سیاسی‌اش را در قالب تفکر شیعی و منابع شناخت دینی (وحی، عقل، نقل و شهود) بیان می‌کند و عدل الهی را یکی از شالوده‌های اصلی عدالت سیاسی می‌داند و معتقد است عدل الهی و اعتدال در نظام تکوین و تشریح موجب ثبات و قوام موجودات است؛ زیرا به وحدت و علت اول نزدیک‌تر است (همان: ۷۸-۷۹). نصیرالدین طوسی در *اخلاق ناصری*، به سیاست مُدن (اندیشه سیاسی)



پرداخته و نظریهٔ عدالت سیاسی را تدوین کرده و در آثار دیگرش، مانند *تجرید الاعتقاد*، آن را می‌پرواند (همو، ۱۳۶۳: ۱۶۵). در واقع، با نگرش شیعی به دنبال پیوند دین و سیاست و ایجاد «فلسفهٔ سیاسی دینی» است.

### ۵. تبیین دولت و سیاست فاضله

نصیرالدین طوسی منشأ پیدایش دولت را اتفاق مردمی می‌داند که در یک اجتماع سیاسی حضور دارند و در رفع نیازمندی‌هایشان می‌کوشند. موضوع چنین اتفاقی آن است که مردم، قدرت‌های پراکنده با سمت و سوهای مختلف و گوناگون خود را به کسی واگذارند تا او با قدرت فائقه خویش آن را در جهت رفع نیازمندی‌های افراد به کار گیرد و اعمال کند و همگان نیز از او اطاعت کنند و از سلاقی شخصی خود بپرهیزند. وی در این باره می‌نویسد: «مبادی دولت‌ها از اتفاق نظر اجتماعی برمی‌خیزد که در زمینهٔ تعاون و تظاهر یکدیگر، به جای اعضای یک شخص باشند» (همو، ۱۳۶۹: ۳۰۳).

از منظر نصیرالدین طوسی، اقسام دولت‌ها به لحاظ سیاسی چنین است: ۱. سیاست امامت (سیاست فاضله) یا سیاست کامله؛ ۲. سیاست تغلب یا سیاست ناقصه. وی در این تقسیم‌بندی، مبنای کار را هدف آن دولت می‌داند و آنها را این‌گونه تعریف می‌کند: یکی سیاست فاضله است که به آن «امامت» نیز گفته می‌شود. مقصود از آن به کمال رساندن خلق و لازم‌ش نیل به سعادت است؛ دومی هم سیاست ناقصه است که به آن «تغلب» گفته می‌شود و غرض از آن استعباد خلق است و لازم‌ش نیل به شقاوت و مذمت جامعه است (همان: ۳۰۰-۳۰۱). در سیاست فاضله، که در واقع همان «امامت» است، مقصود اصلی به کمال رساندن مردم است. لازمهٔ رسیدن مردم به کمال نیز، نیل به سعادت است. اما در سیاست ناقصه چنین نیست؛ زیرا سیاست ناقصه در واقع همان «تغلب» یا استبداد است. هدف و مقصود اصلی سائس، به بندگی کشاندن مردم است که لازمه‌اش حرکت و رسیدن به شقاوت است.

وی معتقد است دولتی که سیاست امامت را اخذ کند، بنای سیاست عملی‌اش را بر عدالت نهاده و بر اساس آن به سیاست‌گذاری پرداخته و آن را بر تمامی ابعاد حکومتی گسترش می‌دهد

تا روابط اجتماعی افراد بر اساس عدالت باشد. در واقع، از نظر نصیرالدین طوسی، دولت امامت باید در جهت امنیت، سکون، مودت با یکدیگر، عدل، عفاف، لطف، و وفا بکوشد. کارویژه دیگر دولت امامت آن است که رئیسش مالک امیال شهوی خود باشد؛ یعنی آن را تحت اطاعت عقل در آورد تا استفاده از شهوات در طریق اعتدال آن قرار گیرد و از افراط آن، که زمینه‌ساز انواع رذایل، نظیر شهوترانی، حرص، طمع و آز است، پیش‌گیری کند. لازم است سیاست‌مدار اول به عدالت تمسک کند و رعیت را به جای اصدقای خویش دارد و خیرات عامه را در مدینه جاری، و مملو کند و از سوی دیگر، مالک شهوت خویش باشد (همان: ۳۰۱). بر اساس تعریف وی از سیاست دولت امامت و ویژگی‌هایش، این نوع از دولت با توجه به خدماتی که به جامعه می‌دهد، به نوعی می‌تواند یکی از ارکان تمدن‌ساز شناخته شود.

همچنین، دولت ناقصه، از منظر وی، چنین است: در سیاست تغلب و ناقصه اصلی، آنچه پایه سیاست‌گذاری و اعمال سیاست قرار می‌گیرد، تمسک به جور است؛ یعنی ظلم و ستم کردن، وسیله نیل به هر منظور و مقصودی است. این دولت، زیردستان را غلامان و بندگانی فرض کرده که فقط مفید بارکشی‌اند و آنجا که زیردستی، نظری خاص غیر از مطلوب آنان داشته باشد یا احقاق حقی از دستگاه حکومتی‌شان کند، به شدت او را سرکوب می‌کنند. تلاش دولت ناقصه در جهت شیوع شرور عام، از قبیل خوف، اضطراب، تنازع، جور، حرص، عنف، عذر، خیانت، مسخرگی، غیبت و غیره است (همان). بر اساس این تعریف، دولت ناقصه، که نقطه مقابل دولت فاضله است، در تعاریفی که از تمدن‌سازی می‌شود جای نمی‌گیرد و به عکس سبب انحطاط و زوال تمدن خواهد شد؛ وی بر همین اساس بسیار کوشید تا در دستگاه حکومتی مغولان حکومتی نزدیک به دولت فاضله ایجاد کند و از این طریق به احیای تمدن اصیل اسلامی بپردازد.

## ۶. طبقه‌بندی علوم

نظر به اینکه دین اسلام به علم و علم‌آموزی توجه ویژه داشت و در آیات و روایات بارها بر این موضوع تأکید شده است، در قرون اولیه اسلامی با رشد و توسعه علمی دانشمندان

مسلمان مواجهیم. گسترش اسلام و علوم مختلف اسلامی و غیراسلامی سبب شد اندیشمندان مسلمان به ضرورت طبقه‌بندی علوم اسلامی پی ببرند و در جهت دسته‌بندی و تبویب این علوم بکوشند. طبقه‌بندی علوم، هم انجام‌دادن فعالیت‌های علمی و پژوهشی را برای دانشمندان مسلمان آسان می‌کرد، و هم نوعی نظم هندسی به علوم می‌بخشید که دسترسی به هر علم، پیشینه آن علم و اطلاعات آن را نیز به راحتی میسر می‌کرد. ابونصر فارابی (متوفای ۳۳۹ ه.ق.)، ابن ندیم (متوفای ۳۸۵ ه.ق.)، ابوحنیف توحیدی (متوفای ۴۰۰ ه.ق.)، ابن سینا (متوفای ۴۲۸ ه.ق.) و ابوریحان بیرونی (متوفای ۴۴۰ ه.ق.)، از جمله متفکرانی هستند که در آثارشان به تفصیل به طبقه‌بندی علوم اسلامی پرداخته‌اند. نصیرالدین طوسی نیز همچون متفکران پیشین در *اخلاق ناصری*، به تبویب و تقسیم‌بندی علوم مربوط به حکمت پرداخته است. وی در این کتاب، حکمت را دارای دو بخش عملی و نظری می‌داند و زیرمجموعه‌هایی برای آن دو در نظر می‌گیرد. همچنین، از دیگر تلاش‌های وی در این اثر، که در مقدمه کتابش به آن اشاره کرده، این است که روابط میان علوم نقلی، عقلی و وضعی را تبیین کند (همان: ۳۶).

#### ۷. تأسیس رصدخانه و کتابخانه بزرگ مراغه

یکی دیگر از فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی نصیرالدین طوسی پرداختن به علم نجوم است که علاوه بر دستاوردهای علمی بی‌نظیری که داشت، به نوعی حفظ آثار تمدنی دانشمندان گذشته نیز بود. وی با تشویق هلاکوخان به ساخت رصدخانه برای پژوهش‌هایی در علم نجوم، این اجازه را از او دریافت کرد و در جمادی‌الاولی ۶۵۷ ه.ق.، ساخت رصدخانه مراغه را آغاز کرد (حسنی آملی، بی تا: ۲/ ستون ۹۶۷). تأسیس بنای عظیم رصدخانه مراغه به امر مستقیم هلاکوخان مغول صورت گرفت که نشان از تأثیرگذاری فوق‌العاده اندیشه‌های نصیرالدین طوسی بر مغولان ویرانگر است، به حدی که آنها را به تولید آثار تمدنی متمایل و علاقه‌مند کرد و در نهایت دستور ساخت رصدخانه‌ای عظیم را صادر کردند (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۳۸۷/۱۷). طبق توصیفات که در آثار برجای مانده از رصدخانه مراغه به دست ما رسیده، این بنای عظیم دارای گنبدی بزرگ بوده است (صفدی، بی تا: ۱۷۹/۱). نور

خورشید از روزنه‌ای که در گنبد موجود بوده، وارد می‌شده و با محاسبات علمی که بر روی آن انجام می‌شد، حرکت متوسط خورشید و ارتفاع آن در زمان‌های مختلف روز اندازه‌گیری می‌شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۰۴/۳).

در این رصدخانه بزرگ، بسیاری از دانشمندان و منجمان بزرگی چون مؤیدالدین دمشقی، محیی‌الدین مغربی، قطب‌الدین شیرازی، نجم‌الدین دبیران کاتبی، ابن فوطی، شمس‌الدین شروانی و اثیرالدین ابهری از طرف نصیرالدین طوسی دعوت شدند و به پژوهش‌های علمی اشتغال یافتند (وصاف‌الحضره، ۱۲۶۹: ۵۱/۱-۵۲). در واقع، وی علاوه بر نجات نموده‌ها (فرضیه اساسی بطلمیوس در مجسطی)، به مدل‌پردازی جدید و ترسیم نمونه‌های تکامل‌یافته از مدل ابن‌سینا دست یافت (مظفری، ۱۳۸۹: ۶۵). مهم‌ترین دستاورد رصدخانه مراغه، تدوین زیچ ایلخانی است که در سال ۶۷۰ ه.ق. به پایان رسید (کندی، ۱۳۷۴: ۱۰). کتبی درباره کتابخانه مراغه می‌نویسد: «خواجه نصیر کتابخانه مذکور را از کتاب‌هایی پر کرد که از بغداد، شام و جزیره غارت شده بود، به طوری که تعداد آن به چهارصد هزار کتاب رسید» (کتبی، ۱۴۲۱: ۲۴۷/۳).

#### ۸. بازگشایی مدارس و سایر موقوفات

پس از آنکه مهاجمان مغول بغداد را فتح کردند، به دلیل حیرت و ترس جامعه از اتفاقات ناگواری که افتاده بود، بسیاری از اماکن عمومی عام‌المنفعه و اوقافی تعطیل شده بود و هیچ فعالیتی در آنها صورت نمی‌گرفت. طبق گزارش ابن‌اثیر، به دلیل تخریب مساجد، مدارس و اماکن عام‌المنفعه و همچنین سوزاندن کتابخانه‌ها، تمامی مساجد و مدارس تعطیل شد و علما، روحانیان و دانشمندان متواری شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۵۵: ۱۶۴/۲). با توجه به نقش و اهمیت وقف در جامعه اسلامی، نصیرالدین طوسی مسئول امور مربوط به اوقاف شد (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۱۱) و طبق وظیفه‌ای که به او محول شده بود، فعالیتش را آغاز کرد.

نظر به اینکه بسیاری از مدارس علمی در سرزمین‌های اسلامی بر پایه وقف بنا شده و اداره می‌شد، نقش تمدنی نصیرالدین طوسی در خصوص بازگشایی مدارس اوقافی اهمیت

بیشتری می‌یابد. وی به سرعت با سامان‌دهی مدارس موقوفه و انجام دادن امور وقفی مربوط به آنها، از علما و استادان دعوت به آغاز مجدد تدریس در مدارس کرد و طلاب را به این مدارس بازگرداند. به منظور رسیدگی و سامان‌دهی مدارس موقوفه، شخصاً به نقاط مختلف سفر می‌کرد و از نزدیک اوضاع این مدارس را می‌دید و مشکلات احتمالی مدارس، مدرسان و طلاب را برطرف می‌کرد. در یکی از این سفرها که در سال ۶۶۰ ه.ق. انجام شد، به همراه هلاکو راهی بغداد شد و پس از آن به بصره و واسط رفت و اوضاع مدارس اوقافی را بررسی کرد. همچنین، در سال ۶۷۲ ه.ق.، در سفری دیگر به همراه اباق‌خان راه بغداد را در پیش گرفت تا وضعیت موقوفات را بررسی کند. وی به منظور سامان‌دهی موقوفات نواحی مختلف، در سفرهایی که به این مناطق انجام می‌شد، قوانینی را وضع می‌کرد (ابن فوطی، ۱۳۵۹: ۱۶۹ و ۱۸۰). البته آشنفنگی اوضاع مدارس موقوفه در عصر ایلخانی، علی‌رغم تلاش‌های بسیار نصیرالدین طوسی تا زمان اسلام‌پذیری غازان‌خان ادامه یافت (ابن سلمان، ۱۳۴۳: ۶۶-۶۷). بی‌تردید نقش نصیرالدین طوسی در آغازگری احیا و اصلاح وضعیت مدارس موقوفه، زمینه را برای بهبود اوضاع و احوال این مدارس فراهم کرده است.

### نتیجه

نصیرالدین طوسی، فیلسوف، متکلم، فقیه، ریاضی‌دان، منجم و معمار بزرگ ایرانی مسلمان است که در قرن هفتم ه.ق.، هم‌زمان با دوره ضعف و زوال خلافت عباسی در جهان اسلام و لشگرکشی بی‌امان سپاهیان مغول و ویران‌شدن عناصر تمدنی می‌زیست. وی که زاده طوس از توابع خراسان بزرگ بود، در کودکی نزد پدر و استادانش علوم اولیه را آموخت و سپس نزد استادان برجسته‌تر به تحصیل علم و مطالعه و پژوهش مشغول شد. در آستانه ورود مغولان به ایران، در قلاع اسماعیلی سکونت داشت و نزد حاکم آن دیار بسیار محترم بود. در همین دوره بود که برخی آثار علمی‌اش را به انجام رسانید. در هنگام حضور مغولان در ایران به دربار ایلخانی ورود پیدا کرد و با نزدیک‌شدن به هلاکوخان مغول از بسیاری از خونریزی‌ها و ویرانگری‌هایشان جلوگیری کرد و پس از رأی‌دادن به اتمام خلافت عباسی،

کوشید با نصایح و رهنمودهای حکیمانانه‌اش به هلاکوخان، گام مهمی در جهت احیای تمدن رو به زوال اسلامی ایرانی بردارد. وی با اقداماتی نظیر جلوگیری از ستم‌ورزی مغولان، خاتمه‌دادن به خلافت عباسی، طبقه‌بندی علوم، تأسیس رصدخانه و کتابخانه بزرگ مراغه و بازگشایی مدارس و سایر موقوفات این کار را انجام داد.

## منابع

- آقابرگ تهرانی، محمد حسن (۱۴۰۸). *الذریعة إلى تصانیف الشيعة*، قم: اسماعیلیان؛ تهران: کتابخانه اسلامیة.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۵۵). *الکامل: تاریخ بزرگ اسلام*، ترجمه: ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
- ابن العبری (۱۳۷۷). *مختصر تاریخ الدول*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن سلمان، ابوسعید احمد (۱۳۴۳). *مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف*، تهران، نشر صبا و سازمان اوقاف.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۰). *تاریخ فخری*، ترجمه: محمدوحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن فوطی شیبانی، کمال الدین أبو الفضل عبد الرزاق بن أحمد (۱۳۵۹). *مجمع الآداب فی معجم الألقاب*، بی‌نا: چاپ هندوستان.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۹۸۸). *البدایة والنهاية*، تحقیق، تدقیق و تعلیق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۷). *تاریخ مغول*، تهران: نیلوفر نقره‌ای.
- امین، حسن (۱۴۰۹). *مستدرکات اعیان الشيعة*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- بناکتی، محمد (۱۳۴۸). *تاریخ بناکتی: روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ والانساب*، تهران: جعفر شعار.
- تنکابنی، محمد بن سلیمان (۱۳۹۹). *قصص العلماء*، تهران: علمی و فرهنگی.
- حسینی (خواندمیر)، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران: خیام.
- حسینی آملی (حاجی خلیفه)، رکن‌الدین بن شرف‌الدین (بی‌تا). *زیج جامع سعیدی*، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، مجموعه حاج حسین آقا نخجوانی، شماره ۴۴۹.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۶۹). *معارف و معاریف*، قم: اسماعیلیان، چاپ اول.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح: حسن حسن‌زاده

آملی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة السابعة.

دوانی، علی (۱۳۸۷). *مفاخر اسلام*، تهران: مرکز انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ج ۴.

ساندرز، ج. (۱۳۶۱). *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه: ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.

شریعت، فرشاد؛ نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰). «جدال اخلاق و سیاست در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی و نیکولو ماکیاولی»، در: *پژوهش نامه علوم سیاسی*، دوره ۷، ش ۲۵، ص ۸۷-۱۱۶.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فردوس.

صفدی عرضی دمشقی، مؤیدالدین (بی تا). *رسالة فی کیفیة الارصاد*، بی نا: سویم تکلی.

غسانی، اسماعیل بن عباس (۱۹۷۵). *العسجد المسبوك والجوهر المحکوک فی طبقات الخلفاء والملوک*، محقق: شاکر محمود عبد المنعم، بغداد: دار البیان.

قمی، عباس (۱۳۸۵). *الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة*، مصحح: ناصر باقری بیدهدی، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.

کتبی، محمد بن شاکر بن احمد بن عبد الرحمن (۱۴۲۱). *فوات الوفیات*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۲.

کندی، ادوارد استوارت (۱۳۷۴). *پژوهشی در زیج های دوره اسلامی*، ترجمه: محمد باقری، تهران: علمی و فرهنگی.

مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۷۰). *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران: اساطیر.

مدرسی، محمد (۱۳۸۰). *سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران: امیرکبیر.

مظفری، سید محمد (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی تأثیر ابن سینا بر جریان اخترشناسی در دوره اسلامی و نقد نظریه انقلاب علمی در رصدخانه مراغه»، در: *تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۶، ش ۱۲، ص ۴۷-۷۶.

موسوی خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۰). *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، قم: اسماعیلیان.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۳). *شرح الاشارات والتنبيهات*، قم: دفتر نشر کتاب.



احیاگری تمدنی خواجه نصیرالدین طوسی / ۲۱

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۳). *روضۃ التسلیم یا تصورات*، تصحیح: ولادیمیر ایوانف (روسی)، تهران: جامی.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۶۹). *اخلاق ناصری*، تنقیح و تصحیح: مجتبی مینوی و علی رضا حیدری، تهران: خوارزمی.

وصاف الحضرة، عبدالله بن فضل الله (۱۲۶۹). *تاریخ وصاف*، بمبئی: چاپ سنگی.

همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۶۲). *جامع التواریخ*، تصحیح: احمد آتش، تهران: دنیای کتاب.

یوسفی راد، مرتضی (۱۳۸۰). *اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.